

با دستور وی و با خط شخصی به نام «حسن» تهیه و تنظیم گردیده (چنان که در نگرش خطوط این جزوه استنباط می‌شود) که شامل و محتوی: الف - ۱۶۶ شماره از ۱۶۸ شماره اشعار جلد اول کنزالاسرار یاد شده با تغییرات بسیاری در «متن» و «ترجمه» است، که گویا هنگام چاپ و ویرایش‌گری این تغییرات به وجود آمده بود و مالا هر دو نوشته «نسخه نویافته» و «کنزالاسرار چاپی جلد اول» به علت عدم آگاهی کافی تهیه کنندگان و عدم دسترسی به سند متقن نسبت به کتب فرهنگ و ادب تبرستان نمی‌تواند یا نمی‌توانست بی‌نقص باشد، امیدوارم که در حد آگاهی و توان اینجانب گره‌ای از نقایص مجلدات کنزالاسرار چاپ پترزبورگ مذکور، در دیوان «تشریح و تفسیر دیوان امیرپازواری» (که سال‌ها با زحمات چندین ساله تهیه شده است) رفع شده باشد.

ب - از هزلیات پایان کتاب جلد اول کنزالاسرار چاپی (سروده عباس عرب) دو بیت از بیت نهم از کنزالاسرار اول به مطلع مغزسراد ولی ولی کرد و بعد از آن بیتی به مطلع «عید آمد و وقت ولولی شد» (در جزوه خطی) از قلم افتاده است.

توضیح: چنان‌که از کهنسالان شنیده بودم، ابیات دیگری از همین شاعر که گویا به دور از ادب و نازیبا می‌نمود، در اینجا از درج آن‌ها خودداری شده است. نظیر: من لب لب آب می‌مجیدم / پایم هقلیشت من کفیدم و...

ب - ابیات زیر در نسخه خطی بازیافته درج گردیده که مفهوم آن‌ها کامل به نظر نمی‌رسد و در کنزالاسرار یاد شده، هم ثبت نشده است:

نه هوشنگ، نه هوش، نه خسرو و نه خاتم

دشمن شب و روز کته تین ور ماتم

یکی خرونه، دکف و بعالم

تین دشمنان ور، بایرم ماتم

ت - برخی واژه‌ها از لحاظ ترکیب و استعمال حروف املائی با اشتباه در این جزوه درج گردیده است، مثلاً به جای «دروغ»، «دروق» نوشته و چاپ شده است. این گونه اشتباهات املائی در سایر ابیات نیز چشمگیر است.

ث - برخی از ابیات این نسخه نویافته، در کنزالاسرار جلد دوم چاپ س پترزبورگ درج شده است.

ج - این جزوه (نسخه خطی نویافته) نشان می‌دهد که گویا خطاط غیر از تهیه‌کننده و مترجم اصلی اشعار یعنی میرزا شفیع مازندرانی بوده است؛ زیرا در پایان جزوه مذکور، جملات زیر که جنبه دستوری دارد از جانب وی قلمی گردیده، مبنی بر اینکه: «این جزوه را بنویسند و هر جایی که خط کشیده شده نباید نوشته شود مگر در

## امیرپازواری

محسن مجیدزاده

نگاهی به پیش‌نویس جلد اول کنزالاسرار مازندرانی قبل از طبع در سن پترزبورگ

بود آثار ما چون رخت بستیم

دلیل اینکه دائم زنده هستیم

جزوه محتوی اشعار امیرپازواری که به عنوان «نسخه خطی نویافته» از طریق حضرات دوستداران و دست‌اندرکاران معرفی آثار این شاعر بلندآوازه و شهیر تبری‌سرای در اختیارم قرار گرفته است از دولت نگهدارنده این امانت ادبی، فرهنگی و تاریخی، نهایت سپاس و قدردانی را می‌نمایم و نیز صمیمانه از این یاران ارجمند به‌ویژه پژوهشگر دلسوز و فرهنگ‌پرور جناب مصطفی نوری سیاست‌گذاری می‌کنم و نهایت آرزویم این است که

همواره از بهزیستی و توانمندی

برخوردار باشند و در مسیر

گسترش فرهنگ و ادب این

مرزو بوم گام‌های استوار و

پویایی برداشته به موفقیت‌های

درخشان‌تری نایل آیند

باری، حسب‌الوظیفه با دقت



و یاری‌گیتی ویژه و در حد توان، سرتاسر لواراق این «نسخه خطی نویافته» را بررسی نموده، به این نتیجه رسیدم که جزوه مذکور مربوط به پیش از به چاپ رسیدن جلد اول کنزالاسرار مازندرانی است که به سعی و اهتمام برنهارددلین و املاد و اعانت میرزا شفیع مازندرانی در سال ۱۲۷۷ م. ق. در دارالسلطنة پترزبورگ در مطبع دارالسلطنة امیراطوریه، به چاپ رسیده است. زیرا این جزوه در سال ۱۲۷۵ م. ق. با راهنمایی میرزا محمد شفیع مازندرانی و



اینه جزوه را بنویس بند و هر کجا بیک خط کشیده شده نباید نوشته شود مگر در آخر کتاب  
و اگر اشعاریکه از ملا عباس عرب است باید در خانه کتاب نوشته شود زیرا که زین کتاب است  
و باعث نقص کتاب میشود و هیچ اشعار نگذارند بنده خوف اعراب کلمات را بگذار  
مطبوع است سخن میکند از مگر زبانه ترجمه ندارد و اسلحه

پازواره، ولی از جانب توده‌های عوام این جابه‌جایی انجام گرفته است.

ج - ممکن است أحياناً افرادی به قصد یا غرض (زیرا بهترین انسان‌ها ممکن است دشمن داشته باشند) کلمه کجکل را در اشعار وی گنجانده باشند.

بحث کوتاهی در مورد معایرت این «سخنه خطی نوبافته» با اشعار چاپ شده در جلد اول کنزالاسرار مازندرانی چاپ سن پترزبورگ.

بار دیگر اظهار می‌شود که این «سخنه خطی نوبافته» مربوط به پیش از به چاپ رسیدن جلد اول کنزالاسرار مازندرانی می‌باشد، زیرا بسیاری از اشعار متن و ترجمه‌های آن با کنزالاسرار چاپی مورخ ۱۲۷۷ [ه. ق.] چاپ دارالسلطنه بطرزبورخ، معایرت فراوانی از هر حیث دارد که برای نمونه فشرده‌ای از آن به شرح زیر ارائه می‌گردد (زیرا شرح شایسته و کامل آن شامل کتاب قطوری چند برابر حجم همان جلد اول کنزالاسرار مازندرانی خواهد شد (که در صورت لزوم و ضرورت اقدام می‌گردد) و همان‌گونه که یادآوری گردید، ممکن است غیر از نسخه نوبافته، نسخه دیگری که برای چاپ جلد اول کنزالاسرار پس از ویرایش وجود داشته، از بین رفته یا در دسترس نباشد.

اینک مقایسه متن شش قطعه از اشعار این نسخه خطی نوبافته با اشعار چاپی مندرج در جلد نخست کنزالاسرار یاد شده.

نشانه‌ها: نسخه خ. ن برابر نسخه خطی نوبافته - کتزر ۱ برابر کنزالاسرار جلد اول

شماره ۱

نسخه خ. ن: امیرگته دشت پازوار خجیره

گشت پازوار، رو در بهار خجیره

چیت قلمکار بوته‌دار خجیره

بیریش ریکای زلف‌دار خجیره

امیر گفته، دشت پازوار خوب است

گشت پازوار، رو در بهار خوب است

آخر کتاب و آن اشعاری که از ملا عباس عرب است باید در خاتمه کتاب نوشته شود زیرا که هزلیات است و باعث نقص کتاب می‌شود و هیچ اعراب نگنجانید، بنده خودم اعراب کلمات را بعد از مطبوع ساختن می‌گذارم، «یاوه زحمتی ندارم والسلام».

و نیز بعضی دیگر از خطوط متن که به عنوان ترجمه معانی فارسی نوشته شده نظیر جمله زیر (گفته میرزا عباس عرب) یعنی یادآور اینکه «این‌ها باید در آخر کتاب نوشته شود و چاپ شود» با خطوط جملات دستوری و راهنمایی بالا (برای اجرای کار خطاط) شباهت نزدیک دارد بنابراین، در این مورد می‌توان نتیجه گرفت که جملات خارج از فرهنگ و ادب گران قدر آن سامان یعنی «من بنده حسین نام دارم به حساب‌المقتال قنصول اعظم افخم و برادر معظم عباس این اشعار آبدار را ترجمه کرده ولی چون زبان حیوان فهمیدن سهل‌تر از زبان کل امیر فهمیدن بود، اوقات شریف را ضایع کردم و به دشواری تمام این مرخرفات را ترجمه نوشتم (ح=حسین)». از آن خطاط کم‌سواد، کم‌جنبه و خودخواه و دور از فرهنگ و ادب اجتماعی آن سامان می‌نمایاند.

توضیح اینکه: کلمه «کل» که در اشعار امیرپادشاهی نظیر «مره کل امیر گته پازواره» مورد اشکال است زیرا، الف - دیده نشده که هیچ کجلی (اگر آن واژه را به معنای کجکل بهره‌برداری کنیم)، خود را در آثار اجتماعی خویش به عنوان «کجکل» مطرح و معرفی نماید.

ب - اگر «کل» را به عنوان پیشوند «کلاتر» مطرح نماییم، نشانه غرور و تکبر به‌شمار خواهد آمد که از شخصیتی چون امیر پازواری، چنین «منم» گویی بعید می‌نماید. اما امیر پازواری در آغازینه سرایش اشعار خویش موقعیت و تاریخ زمانی را از لحاظ ماضی، مضارع و مستقبل به صورت‌های «امیر گته که...»، «امیر گته که...»، «امیر بوته که...» و امثال آن‌ها رعایت می‌نمود. بنابراین مصراع بالا این‌گونه سروده شده بود: «امیر گته که دشت گیرمه



الهی رقیب تر پای دار بوینم  
 رو در قبله، زوون ره لال بوینم  
 ابر نمی گذارد که ماه را روشن ببینم  
 دشمن نمی گذارد دیدار دوست را ببینم  
 الهی دشمن تو را پای درخت ببینم  
 روی تو را در قبله، زبان تو را لال ببینم  
 توضیح: عدم درک و دریافت مفاهیم کنایی، استعاری و  
 نفرینی مصارح سبب نارسایی برگردان ها در هر دو مرجع  
 گردیده است.

(۴)

نسخه خ . ن - دریای کنار بدیمه یک ستاره  
 قنبر به جلو، شاه مردان سواره  
 یا شاه مردان، هده مه مدعاره  
 کشته بزیم قبر امام رضاره  
 در کنار دریا بدیم یک ستاره  
 قنبر به جلو، شاه مردان، سواره  
 یا شاه مردان، بده من، مدعای مرا  
 در بغل بگیرم، قبر امام رضا را  
 کتر ۱ - دریوی کنار بدیمه یک ستاره  
 قنبر به جلو، شاه مردان سواره  
 یا شاه مردان، هده مه مدعاره  
 کشته بزیم قبر امام رضاره  
 در کنار دریا یک ستاره بدیم  
 قنبر در جلو، شاه مردان را سواره بدیم  
 گفتم یا شاه مردان بده مطلب مرا  
 تا بغل بزیم قبر امام رضا را

توضیح: در اینجا (کتر ۱) کامل تر می نماید و نشانگر  
 این است که مطالب (نسخه خ . ن) به هنگام چاپ مورد  
 دقت بیشتر و ویرایش دیگر قرار گرفته است (ممکن است  
 ویرایش شده این (نسخه خ . ن) جزوه دیگری باشد)

(۵)

(نسخه خ . ن) ندومه که جل بهتره یا چلیجه  
 ندومه گهر بهتره یا خدیجه  
 گهر گل دیم، پیغمبر نتیجه  
 خدیجه خاتم سرخه گل دستیجه  
 نمی دانم که چرخه زنانه بهتر است یا چرخه نمی دانم  
 هم معشوقه امیر [گهر] بهتر است یا معشوقه دیگر دوست  
 گهر گل روی پیغمبر را نتیجه است  
 خدیجه خاتم گل سرخ را دسته است

(۶)

کتر ۱ - ندومه که جل بهتره یا چلیجه  
 ندومه گهر بهتره یا خدیجه

چیت قلمکار بوته دار خوب است  
 بیریش بیچه زلفدار خوب است  
 کتر ۱ - امیر گته دشت پازوار خجیره  
 گشت  
 پازوار، رو در بهار خجیره  
 بیریش ریکای زلفدار خجیره  
 چیت قلمکار بوته دار خجیره  
 امیر گفته است دشت پازوار خوب است  
 سیر کردن پازوار در فصل بهار خوب است  
 سیر بیریش و زلفدار خوب است  
 چیت قلمکار بوته دار خوب است

توضیح اینکه: در بیت دوم مصارح جابه جا شده ولی  
 معانی (ترجمه) در کتر ۱ نیز کامل تر و زیباتر می نماید.

(۲)

نسخه خ . ن - مره گل امیر گته پازواره  
 بگو دست آئیت مرز گیرمه تیم چاره  
 هرگز ندیمه نره گو، گوک ور آئیت دار  
 شی نکرده زن، وچه کش آئیت دار.  
 مرا کچل امیر می گویند، پازواری می گویند  
 یک نوع از بیل دست گرفته، مرز می کشم  
 ندیم نر گلو، گوساله را یا خود بگرداند  
 شوهر نکرده زن، بچه در آغوش داشته باشد  
 کتر ۱ - مره گل امیر گته پازوار  
 بگو دست آئیت مرز گیرمه تیمه چار  
 هرگز ندیمه نره گو، گوک ور آئیت دار  
 شی نکرده زن، وچه کش آئیت دار  
 مرا کچل امیر می گویند از اهل پازوار  
 بیل در دست من و مرز می گیرم از برای تخمزار  
 هرگز ندیم گلو نر گوساله در پیش او باشد  
 هرگز ندیم زن شوهر نکرده، بچه در بغل داشته باشد  
 توضیح مصارح در هر دو مرجع برابر است ولی ترجمه ها  
 معایر می نماید.

(۳)

نسخه خ . ن - ابر نهفته ماهره زلال بوینم  
 رقیب نهفته دیدار یار بوینم  
 الهی رقیب تر پای دار بوینم  
 رو در قبله زبانه لال بوینم  
 ابر نمی گذارد ماه را روشن ببینم  
 رقیب نمی گذارد دیدار یار ببینم  
 الهی رقیب تو را پای دار ببینم  
 رو در قبله زبانه را لال ببینم  
 کتر ۱ - ابر نهفته ماهره هلال بوینم  
 رقیب نهفته دیدار یار بوینم



در امیر کلاه یک نعت فروش دیدم  
 امیر با گوهر را دوش به دوش دیدم  
 زلف تابیده او را بیخ گوش دیدم  
 من که نعت فروش بودم، بیهوش شدم  
 توضیح: در اینجا نشان می‌دهد که ترجمه آیات نسخه خ  
 ن به هنگام سپردن به دستگاه چاپ دگرگون شده است،  
 می‌توان در تعقیب جزوه ویرایش شده قرار گرفت.  
 پیشنهادها و درخواست‌های دوستانه و صمیمانه

۱- در سال‌های اخیر عشق به امیر شناسی چون موضوعی  
 مسری و همه‌گیر تجلی نموده است و به اندازه‌ای اوج  
 گرفت که مشاهده می‌شود. بعضی از دوستان گرامی که  
 حتی قادر به خواندن اشعار کنزالاسرارها نیستند ممکن  
 است شعری را انتخاب نمایند و آن قدر حشو و زوایدی  
 بدان بیفزایند که برابر یک مقاله گردد سپس آن را به  
 راه‌های گوناگون ارائه نمایند. عاجزانه درخواست می‌شود  
 که برای جلوگیری از تخریب سروده‌های این شاعر بزرگ  
 تیری سرایی، در مورد آثارش پس از بررسی و شناخت  
 کامل اظهارنظر فرمایند. زیرا اگر در اشعار جناب حافظ،  
 هم که بزرگ‌ترین غزل‌سرای ایران و جهان بشمارند  
 دستبرد واژه‌ای، معنایی، مفهومی، کنایی، استعاری و... به  
 عمل آید قطعاً دستخوش تخریب شده، از ارزش واقعی  
 ساقط می‌گردد، مسلماً افتخاری نیست برای کسی که به  
 موضوعی تسلط ندارد، درباره آن قلم‌فرسایی یا سخنرانی  
 نماید و شخصیت ارزشمند شاعر یا نویسندگانی را به سوی  
 قهقرا سوق دهد.

۲- اگر دوست‌داران شاعر جروه‌ای یا ورقه‌ای از جایی  
 یافتند که شعری از امیر پازواری یا به نام و سبک وی (از  
 دیگران) در آن درج شده باشد، آن را به عنوان یافته‌ی  
 بی‌نظیر تلقی و بزرگ‌نمایی نفرمایند تا صاحبان نظر و  
 دین‌ساز، در آن مذاقه و شناخت نسبی به عمل آورند. تا  
 داوری نادرست که به دور از شأن و مقام پژوهشگری است  
 در آن رسوخ نمایند.

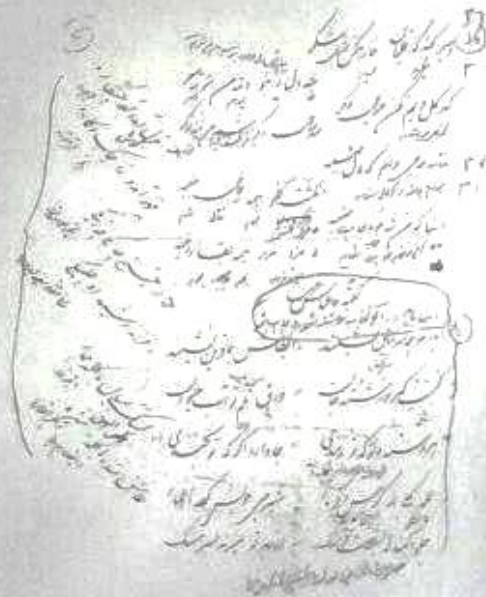
توضیح اینکه: امیر پازواری نمونه و نماینده فرهنگ و  
 ادب غنی تبرستان در دوران و گذران تاریخی آن سامان  
 است. لذا چه خوب است پژوهشگرانی که به فرهنگ و  
 زبان ویژه وی اشراف دارند، صالحانه در کار و زندگی این  
 بزرگ‌ترین شاعر دانشمند و عارف تیری سرای پژوهش  
 نمایند.

۳- سرآوار نیست از اثر کسی که در رشته‌ای آگاهی و  
 صلاحیت کافی ندارد و حتی در خواندن درست و صحیح  
 اثری عاجز است. اظهارات نادرست وی را ملاک و  
 سرچشمه داوری خود به عنوان سند و دلیل قرار ندهیم.

گهر گل دیم پیغمبر نتیجه  
 خدیجه خانم سرخه گل دستبچه  
 نمی‌دانم که چرخک بزرگ بهتر است یا چرخک  
 کوچک نمی‌دانم گوهر بهتر است یا خدیجه  
 گوهر گلدار از نتیجه پیغمبر می‌باشد  
 و خدیجه خانم مثل دسته گل سرخ است  
 توضیح: اختلاف برگردان‌ها به علت عدم توجه و  
 تشخیص ایجاد این چهارپاره می‌باشد. بیت دوم (کنز ۱)  
 می‌بایستی به شکل زیر تصحیح و جابه‌جا می‌شد.  
 گهر گله دیم، سرخه گل دستبچه  
 خدیجه خانم پیغمبر نتیجه  
 گهر گلرخ، مانند یک دسته گل سرخ است  
 و خدیجه خانم نتیجه و پیوند پیامبر است

(۷)

نسخه خ. ن - امیر کلا من انا نعت فروش بدیمه  
 امیر و گهر ره دوش بدوش بدیمه  
 ونه تو بزه زلف بیخ گوش بدیمه  
 منکه نعت‌فروش بیمه، بیهوش بدیمه  
 در المده یک نعت‌فروش دیدم  
 امیر و گهر را دوش به دوش دیدم  
 او را یک تو بزه زلف در بیخ گوش دیدم  
 من که نعت فروش بودم بیهوش شدم  
 کنز ۱ - امیر کلاه انا نعت‌فروش بدیمه  
 امیر و گهر ره دوش به دوش بدیمه  
 ونه تو بزه زلف بیخ گوش بدیمه  
 منکه نعت‌فروش بیمه بیهوش شدم





ذکر مطالب بالا به این جهت است که دوستان، بزرگواران و نورچشمان گرامی‌ام به کاری که منصفانه، تسلط ندارند، شخصیت شاعر را تخریب نفرمایند.

برای تحلیل و یادواره سالانه از این شاعر بی‌بدیل و گران‌مایه، در سال ۱۳۷۶ که در دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران) همایشی به کوشش جهانگیر اشرفی و نسیابه اسدی با دعوت گروهی از پژوهشگران تشکیل شده بود، موضوع سخنرانی «امیرپازواری از دیدگاه پژوهشگران و منتقدین» بوده است که من نیز در آن همایش حضور داشته و در پایان اجرای برنامه‌ام پیشنهاد نموده بودم که:

«چون امیرپازواری از دل روستاییان و مردم مارندران برخاسته و بادش آن چنان استوارانه در کتیبه یادها ثبت و حک شده است که هرگز زوده نخواهد شد، هر ساله به هنگام بهره‌برداری روستاییان، یعنی شانزدهم مهرماه که همزمان با جشن باستانی مهرگان است، همایش بزرگ و کوچک برحسب توان و امکانات به عنوان «یادواره امیرپازواری» در نقاط مختلف برگزار گردد». این درخواست را بارها در جلسات شفاهی و نوشته‌هایم تکرار نمودم؛ اکنون نیز پیشنهاد می‌کنم که این یادواره چه بهتر است که هر ساله در مسقط‌الرأس شاعر یعنی امیرکلا در همان تاریخ شانزدهم مهرماه تشکیل گردد. (ارزومندم که پیش از ترک دنیا شاهد این برگزاری باشم) و برای آنان که به علتی حضورشان در آن همایش ممکن نباشد، در شهر و آبادی خود به حد توان یادواره را برگزار نمایند. در پایان، امینوارم فرهنگیان و فرهنگ دوستان امیرکلا که دارای چنین شاعر گرانمایه‌ای هستند به تأسیس کانون یا بنیاد فرهنگی امیرپازواری از طریق مجاز اقدام فرمایند تا در آن تصمیمات لازم در مورد مطالب مربوط به این شاعر اتخاذ گردد و نیز با تعیین مواقع معین در ماه یا هر مدت مشخص دیگر، با مراجعین ارتباط برقرار شود.

## بازی‌های محلی مارندران

### لیلا عرب فیروز جایی

چوچک Cu cak

- ۱- تعداد بازیکن: ۲ نفر
  - ۲- مکان بازی: محوطه باز
  - ۳- وسایل بازی: پارچه یا یک تکه نمد، چوبدست
  - ۴- شرایط سنی: جوانان
- شدنیاسبت بازی: اوقات فراغت
- جنسیت مرد
- طریقه بازی:

ورزش مخصوص روستاییان، به خصوص گلخاناران محلی است که در زمان فراغت انجام می‌شود و بدین ترتیب است که یک دست را در پارچه یا تکه نمدی می‌بندند و با دست دیگر چوبدستی را نگه می‌دارند و به فرد دیگری که به همین ترتیب یک دست را نمدپیچ کرده و چوبدستی در اختیار دارد ضرباتی با وارد می‌کنند نفر مقابل با چوبدست یا دست نمدپیچ از خود دفاع می‌کند. معمولاً بیشتر ضربات به پای حریف است.

هدف اصلی در این بازی دفاع شخصی می‌باشد در گذشته با توجه به بلایای طبیعی موجود در محیط افراد می‌بایست از خود دفاع می‌کردند این تمرین باعث تقویت عضلات دست، بازوها، پا و ران می‌شود.

## غذاهای مارندرانی

### نرشته عابسی

کرک بیس - مرغ به هوا پریده،

(یکی از غذاهای سنتی تابستانی است)

مواد لازم:

- ۱- پیاز: ۴ عدد
- ۲- گوشت رگی: ۵ عدد
- ۳- رب گوجه فرنگی: یک قاشق غذاخوری
- ۴- پانچجان ورقه سرخ شده ۲ عدد متوسط
- ۵- تخم‌تار ترش تازه ۵ قاشق غذاخوری در صورت نبودن تار از آبغوره استفاده شود.
- ۶- شکر: ۲ قاشق غذاخوری
- ۷- روغن: به میزان لازم
- ۸- نمک و فلفل و زردچوبه: به میزان لازم

طرز تهیه: پیاز را خرد کرده در روغن سرخ کنید کمی زردچوبه بریزید رب را اضافه نموده کمی تفت دهید. حال گوشت رگی خرد شده را اضافه کنید تا چند جوش بزند بعد پانچجان‌های سرخ شده را همراه با تخم‌تار اضافه کنید تا با حرارت ملایم چند جوش بزند در آخر شکر و نمک و فلفل را بریزید چند بار همزده تا شکر و نمک و فلفل در آن حل شود غذا حاضر است. معمولاً کرک بیس همراه با بروج (پلو) و سبزی خوردن خورده می‌شود.



حکام برآمد

امیرکته دشت پازوار صحیره  
 کشت پازوار رود بهر صحیره

چیت فلکها بونه دار صحیره  
 پریش ریحان زلف دل صحیره

میر کز امیر کینه پازوار  
 بلو است آیت نزر کبر تر جا

هرگز ندیده زه کو گوک و رفت دل  
 شمر کرده زن وجه کس رفت دار

ابر نکلنه ما بره زلال بویم  
 رقیب نکلنه دیدار یار بویم

آهلی قریب تر پازوار بویم  
 رو در قریب زمانه لال بویم

در با بر کنار بدید یک ستاره  
 قنبر سجاوش شاه مردان سوا

یا شاه مردان  
 کشته نریم قنبر امام رضا

بندگی که جان بهتر یا حلیمه  
 مدد که کبر بهتر یا خدیجه

بندگی که جان بهتر یا حلیمه  
 مدد که کبر بهتر یا خدیجه



# بارش

خبرنامه مجله فرهنگی اندیشه‌های معاصر

سال هفدهم / شماره ۱۰۸

مرداد ماه ۱۳۹۴

